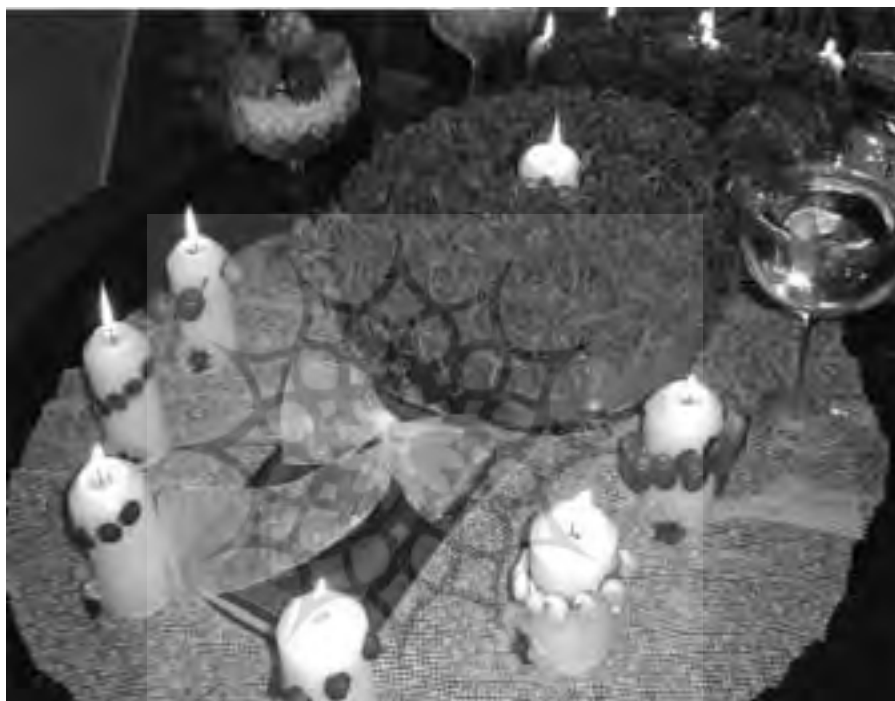


# آیین های نوروز باستانی

دکتر فاروق صفی زاده



پروژه علم‌الاسانی و مطالعات فرهنگی

ماهه مؤثر بوده است، اما توجیه اساطیری سال دوازده ماهه، براساس عمر دوازده هزار ساله هستی، بهترین توجیهی به نظر می رسد که در چهار چوب باورهای کهن می گنجید. جشن های دوازده روزه آغاز سال نیز با این سال دوازده ماهه و دوره ی دوازده هزار ساله عمر جهان مربوط است. انسان آن چه را در این دوازده روز پیش می آید سرنوشت سال خود می انگاشت. از پیش از نوروز انواع دانه ها را می کاشتند و هر دانه ای که در طی این دوازده روز بهتر و بیشتر رشد می کرد، آن دانه را برای کاشت آن سال به کار می بردند و گمان داشتند که اگر روزهای نوروزی به اندوه بگذرد همه سال به اندوه خواهد گذشت.

بسیاری از این باورها هنوز پابرجاست. مختصر آن که دوازده روز آغاز سال نماد و مظهر همه ی سال بود. اما اگر در پایان دوازده هزار سال جهان درهم می شد و آشفستگی نخستین باری دیگر باز می گشت، و اگر به نشان آن، در پایان هر سال نظم و قانون از میان بر می خاست، پس در پایان دوازده روز نیز یک روز نشان آشفستگی نهایی و پایان سال را بر خود داشت. در این روز کار کردن و نظام عمومی را

چرا نوروز دوازده روز است و سبب وجودی سیزدهم عید چیست؟ چرا کار کردن و پرداختن به امور جاری در این روز درست نیست. زیرا تأثیر نجوم میان رودانی، اساطیری، نجومی در ایران شکل می گیرد که بنا بر آن، هر یک از دوازده اختر که خود بر یکی از برج های دوازده گانه حاکم است، هزار سال بر جهان حکومت خواهند کرد. بدین روی عمر جهان دوازده هزار سال است و در پایان دوازده هزار سال، آسمان و زمین درهم خواهد شد. این اسطوره خود نیز ریشه ی بابلی دارد و باور بر آن بوده است که در اصل پس از دوازده هزار سال آشفستگی آغازین باز می گردد.

به گمان انسان اعصار کهن، آنچه در کیهان بزرگ (هستی) رخ می داد در کیهان خرد (جهان انسانی) نیز رخ می داد. این باور ریشه از همان جا دارد که انسان تنها قادر به شناخت نسبی خود بود. جهان را قیاس از خویشتن می گرفت و گمان می کرد کیهان بزرگ همچون اوست. با این باور بود که سال دوازده ماه را توجیه می کردند. عوامل نجومی دیگر مثل گردش ماه در این امر و پدید آمدن سال دوازده

رعایت کردن نیز از میان برمی خاست و شاید عیاشی ها، باری دیگر برای یک روز باز می گشت. نحسی سیزدهم عید نشان فروریختن واپسین جهان و نظام آن بود!

در قدیم عدد ۱۳ را دوجین شیطانی می گفتند که با دوجین اصلی یعنی ۱۲ فرق داشت. در قدیم مبنای عدد شماری چینی ها دو جین یعنی ۱۲ بود. این دستگاه عدد شماری را دوازده - دوازده می گویند. در ایران نیز بسیاری از چیزها را با واحد ۱۲ می شمردند: یک دو جین تخم مرغ (۱۲ تخم مرغ) یک گروس گردو (گروس - واحد بعد از دوجین بود که گروس گردو یعنی  $12 \times 12$  یا ۱۴۴ گردو) و غیره.

گاهی به طور خلاصه، دو جین را جین هم می گفتند. یک جین کبریت (۱۲ قوطی کبریت). درباره ی عدد ۱۲ معتقدات و خرافات گوناگونی رواج داشت. در سرزمین های بابل، چین، روم و سایر کشورها، عدد دوازده، نشانه ی خوشبختی و سلامت بود، ولی عدد بعد از آن یعنی ۱۳ را دوجین شیطانی می خواندند. هنوز هم مسافره های خرافاتی از بلیط هایی که شماره ی ۱۳ دارند، خودداری می کنند! در بسیاری از قطارها، کشتی ها و هواپیماها یا اصلاً شماره ۱۳ را حذف می کنند یا آن را با نام های دیگر مثل (۱۲a) یا (۱۲+۱) می خوانند!!

این تصور خرافاتی پیرامون عدد ۱۳ از کجا ناشی شده است. هراس از دو جین شیطانی از اعماق تاریخ سرچشمه می گیرد. این نام گذاری به مناسبت ارتباطی بود که بین عدد ۱۳ و مرگ می دانستند! یهودیان قدیم عدد سیزده را با حرف m (با تلفظ قدیم مم) نشان می دادند که کلمه مرگ با آن شروع می شد. بنابر افسانه انجیل، در شب وداع ۱۳ نفر حاضر بودند. ضمناً نفر سیزدهم یهودا اسخریوطی بود. یهودا که خود یکی از حواریون بود به عیسی مسیح خیانت کرد. از آن زمان نام یهودا مترادف به خیانت شد. این افسانه به بد شگونی عدد سیزده قوت بخشید. شاید بتوان بدشگونی عدد ۱۳ را از نظر تاریخی باز هم دورتر برد. بشر، خیلی زود عدد شماری را یاد نگرفت. تامت ها برای افراد دانا مرزی برای شمار وجود داشت. هنوز هم وقتی که بچه ها قبل از سه سالگی از عدد نام می برند اغلب تا عدد ۲ را تشخیص می دهند و از آن به بعد همه چیز برای آن ها درهم و برهم است. عددهای بعدی را تقلید می کنند، ولی وقتی که مثلاً می گویند، ۳ آن را به معنای بسیار می گیرند نه یک واحد بیشتر از ۲. کسانی که در یکی دو سده گذشته، به میان قبیله های باتمدن ابتدایی سفر کرده اند، نقل می کنند که افراد این قبیله ها تا عدد خاصی را می توانند بشمارند. برای چنین کسانی بعد از ۱۲ ظلمت و تاریکی بود و چیزی مافوق قدرت تصور آنان و همین مطلب زمینه ای فکری را برای بدشگونی ۱۳ به وجود آورده است.

عدد ۱۳ و به خصوص سیزده نوروز نشان می دهد که بسیار خجسته و نیک روزی است چرا که در این روز، شادی و نشاط همه ی مردم را فرا گرفته و نحس بودن این عدد تنها تلقین انسان هاست. چرا که انسان همان گونه که فکر می کند وجود دارد و شکل می کند. جشن سیزده نوروز، بسیار مبارک و فرخنده است. جمشید پادشاه ایرانی روز سیزده نوروز را در صحرای سبز و خرم خیمه و خرگاه برپا می کند و بارعام می دهد و چندین سال پی در پی این کار را انجام می دهد که در نتیجه این آیین در ایران به صورت سنت و مراسم در می آید و ایرانیان از آن به بعد سیزده به در را بیرون از خانه برگزار می نمایند. پس از اسلام چون سیزده تمام ماه ها را نحس می دانند، به اشتباه

سیزده عید نوروز را هم نحس شمرده اند. روز سیزده نوروز را که روز خجسته و فرخنده است در ردیف سیزدهم ماه ها به حساب آورده و نحس دانسته اند، اما به هیچ وجه نحسی و کراهت ندارد. وقتی درباره نیکویی و فرخنده بودن روز سیزدهم نوروز بیشتر دقت و بررسی کنیم، در می یابیم که بسیار معقول و مستند به سوابق تاریخی است. سیزدهم هر ماه شمسی که تیر روز نام دارد، مربوط به فرشته ی بزرگ و ارجمندی است که تیر نام دارد و در پهلوی آن را تاشتر tashhtar می گویند. فرشته ی مقدس نیز در کیش ایرانی مقامی بلندی دارد و جشن بزرگ تیر روز از تیر ماه نیز جشن تیرگان است و به نام او می باشد. چون فروردین ماه هنگام جشن و شادی و موقع فرود آمدن فروهران (ارواح) است و تیرروز، برای اولین مرتبه از این ماه شروع می شود لذا ایرانیان قدیم پس از دوازده روز جشن گرفتن و شادی گرفتن که بیاد دوازده ماه از سال است روز سیزدهم فروردین را که روز فرخنده ای است به باغ و صحرا می رفتند و شادی می کردند و در حقیقت بدین ترتیب، رسمی بودن دوره ی نوروز را به پایان می رسانیدند.

مشیه و مشیانه که پسر و دختر دوقلوی کیومرث پادشاه ایرانیان بودند، روز سیزده فروردین برای نخستین بار در جهان با هم ازدواج نمودند. در آن زمان مراسم عقد و نکاح بوسیله ی گره زدن دو شاخه مورد بوده است و لذا آنان نیز به وسیله گره زدن دو شاخه مورد پایه ازدواج خود را بنا نهادند و چون ایرانیان باستان از این راز به خوبی آگاهی داشتند، آن مراسم را بویژه دختران و پسران دم بخت انجام می دادند و امروز هم دختران و پسران، برای بستن پیمان زناشویی نیت می کنند و علف گره می زنند. این آیین از روزگار پیشین تا به امروز پابرجاست.

#### گاه شماری ایرانی

ایرانیان باستان، نخستین بنیانگذاران دانش ستاره شناسی و اختر شناسی، برای نخستین بار در جهان، روزها، ماه ها و سال ها را نام گذاری و نیز بنا بر باورهای دینی و احترام به آفریدگان مانند گیاهان و جانوران بر روی روزها و سال ها عناوینی اطلاق نمودند. آنان، هر سالی را به نام جانوری نام گذاشته و هر سال را به ۳۶۵ روز و ۵۲ هفته و هر هفته را به هفت روز بخش بندی نمودند به طوری که به هر یک از ماه ها و روزها نیز نام هایی برپایه ی آیین های کهن خویش اعطا کردند. در این بخش نوشتار، به شرح معنایی و مفاهیم نام سال ها، ماه ها، هفته و روزها پرداخته خواهد شد.

گذشته از حرکت روزانه سپر ستارگان (فلک ثوابت) که همه ی ستارگان ثابت در آن شریک هستند، خورشید و ماه و سیارگان، نسبت به ثوابت، حرکتی آهسته تر و مخصوص به خود دارند.

برج اصطلاح نجومی است و ۱۲ برج، منطقه ای را در آسمان می سازند که منطقه بروج نامیده می شود و از حرکت ظاهری خورشید پدید می آید بدین ترتیب که هرگاه مدت یک سال شمسی، بعد و میل خورشید را موقع عبور از منطقه نصف النهار معینی یادداشت کنیم و پس از یک سال که مجدداً به همان نقطه رسید مورد مطالعه قرار دهیم، ملاحظه خواهیم کرد که خورشید ظاهراً یک مدار بیضی نزدیک به دایره ای طی نموده است که این مدار نسبت به خط استوایی زمین بیست و سه درجه و بیست و سه دقیقه و چهل و دو، میل دارد. ستارشناسان، این مسیر را منطقه بروج نامیده اند و آن را به دوازده قسمت تقسیم نموده و هر یک را بنام خاصی نامیده اند. بدین قرار: قوچ (حمل)، نرگا (ثور)، دو پیکر (جوزا)، خرچنگ (سرطان)،

درد (نام ششم روز در سال های کبیسه آوررداد است).

### هزاره های ایرانی

ایرانیان باستان به یک دوره ی بزرگ ۱۲ هزار سالی که شامل ۱۲ دوره ی هزار سالی بوده، معتقد بوده اند. این هزاره های دوازدهگانه، هر کدام دارای نام ویژه یی بوده و در تقویم ها، روز آغاز هزاره را مشخص نموده اند. سالی که در این هزاره ها به کار می برده اند، سال ۳۶۵ روزی بوده است و در تاریخ گذاری رویدادها، علاوه بر مبداهای گوناگونی که بوده، اغلب با اول هزاره نیز تاریخ گذاری می شده است. هزاره های ۱۲ گانه، به شرح زیر بوده است:

هزاره - لقب هزاره - روز آغازین هزاره

- ۱- قوچ (حمل) - آدینه
- ۲- نرگاو (ثور) - پنج شنبه
- ۳- دو پیکر (جوزا) - چهارشنبه
- ۴- خرچنگ (سرطان) - سه شنبه
- ۵- شیر (اسد) کیومرث - دو شنبه
- ۶- خوشه (سنبله) هوشنگ - یک شنبه
- ۷- ترازو (میزان) جم - شنبه
- ۸- کژدم (عقرب) دهاک - آدینه
- ۹- کمان (قوس) فریدون - پنج شنبه
- ۱۰- بزغاله (جدی) زردشت - چهارشنبه
- ۱۱- آب ریز (دلو) اخشیت ارهسه - شنبه
- ۱۲- ماهی (حوت) اخشیت اره ماه - دوشنبه

هزاره ی ۱۲، هزاره ی پایان جهان تصور می شده است.

ایرانیان یجز هزاره ها، شش دوره ی ۱۵۰۸ سالی نیز داشته اند که با آن ها تاریخ گذاری کرده اند. معمولاً تاریخی که از مبداء دوره ها، تطبیق داده اند.

ادوار آفرینش از جمع اولین روز فروردین و اعتدال بهاری شروع می شود و روزهای این سال ها، از صبح تا صبح روز دیگر است. مشخصات این دوره ها:

ادوار - نام های ادوار - ایام اول دوره

- ۱- اول - سگ - شنبه
- ۲- دوم - مار - سه شنبه
- ۳- سوم - موش - آدینه
- ۴- چهارم - گوسفند - دوشنبه
- ۵- پنجم - پلنگ - پنج شنبه
- ۶- ششم - مرغ - یک شنبه

نام دوره های ۱۲ سالی جانوری در کهن ترین تقویم های یافت شده در تورفان، با نام های ایرانی آن دیده می شود. این دوره ی ۱۲ سالی جانوری، چند قرن پیش از زایش مهر (میلادی)، از ایران به چین و میان مغولان اویغوری رفته است و اکنون در تقویم ها، به غلط آن را به نام های ترکی و سال های ترکستانی (!) می نامند. این دوره، از کهن ترین ایام در ایران رواج داشته و سال اول هزاره ی اول از دوره ی ۱۲ هزار سالی و سال اول مبداء تاریخ گذاری یزدگردی باستانی (یزدگردی یعنی خدایی و الهی و ربطی به پادشاهی یزدگرد ندارد) و سال اول رصد زردشت، با سال موش یا سال اول این دوره، شروع می شود و معلوم می شود که این دوره، با این سه تاریخ، میزان بوده است.

شیر (اسد)، خوشه (سمبل)، ترازو (میزان)، کژدم (عقرب)، کمان (قوس)، بزغاله (جدی)، آبریز (دلو) و ماهی (حوت). دلیل این نامگذاری، شکل و هیأتی است که با اتصال خطوط فرضی بین ستارگان هر برج بوجود می آید.

عقیده دیگری که برای این نامگذاری ابراز شده، وجود خواصی است که بر این اشکال اعم از حیوانات و غیره، مترتب می باشد.

هر یک از بخش های دوازده گانه منطقه ی بروج به سی درجه تقسیم می شود و بنابراین دور کامل آن سیصد و شصت درجه است. هر درجه، به شصت دقیقه (۱=۶۰) و هر دقیقه به شصت ثانیه (۱=۶۰) تقسیم می شود.

نام یونانی برج ها - نام عربی برج ها - معنای نام برج ها

- لاهون گا - حمل - کارگر مزدور
- مول - ثور - نرگاو آسمانی
- ماش - جوزا - دو پیکر
- نانگر - سرطان - خرچنگ شیر پنجه
- اور آ - اسد - شیر نر
- آباسین - سنبله - شیار، خوشه ی ذرت، باکره
- زی بانی تو - میزان - ترازو
- گیرتاب - عقرب - کژدم
- پا - قوس - کمان دار
- سوهور - جدی - بز نیم ماهی
- گو - دلو - آبریز
- زیب - حوت - دو ماهی

در ایران باستان، سال خورشیدی، ثابت، با تقسیمات مختلف از لحاظ ماه، مورد استفاده قرار گرفته است. مهم ترین تقسیمات این سال تقسیماتی است که بر مبنای مدت سیر مرکز قرص خورشید در هر یک از بروج دوازده گانه به عمل آمده و لذا سال به ۱۲ برج تقسیم شده که روزهای هر ماه برحسب مدت سیر قرص خورشید در بروج، با هم اختلاف دارند.

از زمان رصد زردشت، ترتیب دیگری در تقسیمات داخلی سال خورشیدی ثابت وجود دارد که به ۱۲ ماه سی روزی و پنج روز پنجه در آخر سال کبیسه تقسیم شده است. این سال که به سال نوروزی شهریاری، ملکی، سلطانی یا ملکانشاهی نامیده شده، دارای ماه هایی به نام زیر بوده است:

- ۱- ماه نو ۲- نوبهار ۳- گرمافزا
- ۴- شب افزون ۵- جهانتاب ۶- جهان آرا
- ۷- مهرگان ۸- خزان ۹- سرمافزای
- ۱۰- شب افروز ۱۱- سرمافزا ۱۲- روز افزون

در این قسم سال و ماه، هفته به کار نمی رفته و هر روز از ماه و روزهای پنجه اسامی ویژه یی داشته است:

- ۱- جشن ساز، ۲- بزم نه، ۳- سرفراز، ۴- گش نشین، ۵- نوشن خور، ۶- غم زدای، ۷- رخ فروز، ۸- ماه بخش، ۹- زرفشان، ۱۰- نام جوی، ۱۱- رزم گیر، ۱۲- کینه کش، ۱۳- تیغ زن، ۱۴- داد ده، ۱۵- دین پژوه، ۱۶- دیو بند، ۱۷- ره گشای، ۱۸- اسب باز، ۱۹- گوی باز، ۲۰- پایدار، ۲۱- دوست بین، ۲۲- مهرکار، ۲۳- جان فزا، ۲۴- بت فریب، ۲۵- کامران، ۲۶- شاد باش، ۲۷- دیرزی، ۲۸- شیرگیر، ۲۹- کامیاب، ۳۰- ای شهریار.

نام روزهای پنجه: ۱- آفرین، ۲- فرخ، ۳- فیروز، ۴- رامشت، ۵-